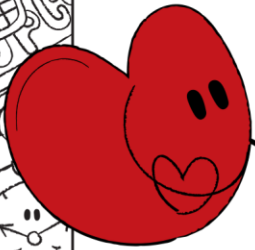


با ❤️ بیا تام‌لند

جزوه

دوره سالانه تئور ۱۴۰۴



علی اکبر  
آخوندی

# فلسفه و منطق

هفته اول

«درس ۱ منطق»

درس ۱ فلسفه یازدهم»

استاد علی اکبر آخوندی

 falsafeomanteghAkhoundi



## درس اول: منطق ترازوی اندیشه

(ابن سینا)

علم منطق علم ترازوست و علم‌های دیگر، علم سود و زیان، و هر دانشی که به ترازو سنجیده نشود، یقین‌آور نباشد؛ پس چاره نیست از آموختن علم منطق.

علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است، منطق نام دارد. منطق‌دانان کوشیده‌اند با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته‌بندی آن‌ها، راه‌های جلوگیری از آن‌ها را نشان دهند. ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکری یا اصطلاحاً مغالطه (سفسطه) نشویم، مشخص کرده‌اند.

## مغالطه

♦ تعریف: هرگونه نتیجه‌گیری خطا در اندیشه (عمدی یا غیرعمدی)

♦ یک تشبیه: مغالطه مانند بیماری است ← **وجه تشبیه:**

۱ باید از هردو برحذر بود.

۲ هردو ایراد در یک سیستم هستند.

## علم منطق

♦ تأکید: آموزش شیوه درست اندیشیدن

♦ هدف: بیان مغالطه‌ها و جلوگیری از آن‌ها

ذهن انسان به صورت طبیعی براساس قواعدی می‌اندیشد. منطق‌دانان این قواعد را کشف کرده‌اند و به صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده‌اند. گرچه ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می‌کند و بدون دانستن نام‌های این قواعد، آن‌ها را در زندگی خود به کار می‌برد؛ اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد و معمولاً در استدلال‌های پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص، دچار اشتباه می‌شود. به همین دلیل با به‌کارگیری علم منطق که به دسته‌بندی و توضیح قواعد ذهن می‌پردازد، سریع‌تر و دقیق‌تر می‌توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

## ویژگی های علم منطق

### ۱ کاربرد بودن

- ◆ عملی است  $\neq$  تئوری
- ◆ نیازمند تکرار، تمرین و ممارست است.
- ◆ خواندن دستورات عمل های نظری فرد را تبدیل به انسانی ماهر نمی کند.
- **مثال:** دوچرخه سواری، رانندگی و...

### ۲ ابزاری بودن

- ◆ منطق ابزاری در خدمت سایر دانش ها است.
- ◆ منطق تولید محتوا نمی کند بلکه وظیفه تولید علم و دانش و محتوا برعهده سایر علوم است.
- ◆ منطق فقط قالب و صورت ایجاد می کند.
- ◆ راه رسیدن به دانش جدید، تفکر است یعنی سایر علوم از راه تفکر به دانش جدید می رسند اما منطق بررسی خودِ تفکر است.
- **مثال:** سیستم کنترلی خودرو، شاقول بنایی، ترازو و...

## حیطه کاربرد منطق

اگرچه دانستن منطق برای فهم فلسفه از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ اما باید توجه داشت که دانستن منطق، تنها برای ارزیابی اندیشه های فلسفی به کار نمی رود؛ بلکه هریک از ما در سراسر زندگی خود بدان نیازمندیم؛ زیرا می خواهیم درست فکر کنیم و درست تصمیم گیری کنیم. ما هر روزه مطالبی را برای دوستانمان بیان می کنیم؛ برای متقاعد کردن آنان دلیل می آوریم و می کوشیم تا در تعلیم و تعلم دچار خطا نشویم یا در دادوستد، فریب کلاهبرداران را نخوریم. امروزه با فراگیر شدن رسانه ها و حجم انبوه اطلاعات صحیح و غلط، بیش از پیش نیازمند علمی هستیم که شیوه های جلوگیری از خطای اندیشه را به ما آموزش دهد. معمولاً نشریات مختلف در بسیاری از عناوین و مطالب خود، استدلال هایی را به نفع عقاید مورد نظرشان مطرح می کنند. اغلب آگهی های تجاری نیز نوعی استدلال هستند که می خواهند مخاطب را به این نتیجه برسانند که «فلان کالا را بخرید!». این ها نمونه هایی هستند که برای بررسی درستی و نادرستی آن ها به منطق نیازمندیم. بنابراین استدلال آوری و تعریف کردن صحیح، اموری نیستند که تنها در محیط تحصیلی، با آن ها سروکار داشته باشیم. این امور بخشی از سخنان روزانه ما را تشکیل می دهند.

راه رسیدن به علم، تفکر است ← هر بخش از علم با یک بخش از تفکر در ارتباط است

## بخش‌های اصلی علم و دانش

## ۱ تصور

- ◆ آگاهی و ادراکی که نسبت به یک مفهوم داریم
- ◆ ادراک ساده بدون حکم و قضاوت
- ◆ مفهوم = معنا = صورت ذهنی
- ◆ در این حالت به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط آن با سایر امور، کاری نداریم.
- ◆ قابلیت صدق و کذب ندارد.
- ◆ با تصویر فرق دارد.

## انواع

- تک کلمه‌ها
- جملات انشایی
  - ← استفهامی (پرسشی)
  - ← تعجبی
  - ← آرزو
  - ← دعا
  - ← منادا
  - ← امر و نهی
- جملات وصفیه ناقص ← نشانه آن‌ها «که» است.

## ۲ تصدیق

- ◆ برقراری ارتباط میان تصورها
- ◆ ادراک همراه با حکم و قضاوت
- ◆ قضیه = گزاره
- ◆ در آن‌ها اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم.
- ◆ قابلیت صدق و کذب دارند.
- ◆ جملات خبری کامل و معنادار (نه هر جمله خبری)

یک تمرین اساسی



■ مشخص کنید کدام عبارت تصور و کدام یک تصدیق است؟

(۱) بهرام که گور می گرفتی همه عمر

(۲) واقعیت

(۳) درخت واقعی است

(۴) به او گفتم «چرا دیر آمدی؟»

(۵) کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟

دو بخش اصلی منطق (دو بخش تفکر و اندیشه)

تعریف

- به ما کمک می کند از تعریف اشتباه پرهیزیم
- به کمک آن از تصورهای معلوم به شناخت تصورهای مجهول می رسیم
- با کدام بخش علم در ارتباط است؟ تصور
- کاری است که برای رسیدن به چیستی یک مفهوم انجام می شود.

استدلال

- به ما کمک می کند تا از استدلال اشتباه پرهیز نماییم.
- به کمک آن از تصدیق‌های معلوم به کشف تصدیق‌های مجهول می رسیم.
- با کدام بخش علم در ارتباط است؟ تصدیق
- کاری است که برای پاسخ به چرایی صورت می گیرد.

اکنون به سؤالات زیر پاسخ دهید:

■ اگر کسی تاکنون میوه دارابی را ندیده باشد و پرسد که «دارابی چیست؟» چه پاسخی به وی می‌دهیم؟

قاعدتاً سعی می‌کنیم به کمک آن چه تاکنون دیده است، دارابی را برای وی توصیف کنیم. مثلاً می‌گوییم: یکی از مرکبات است و از نظر مزه چیزی بین پرتقال و نارنگی است و معمولاً پوستی سبزرنگ دارد و...

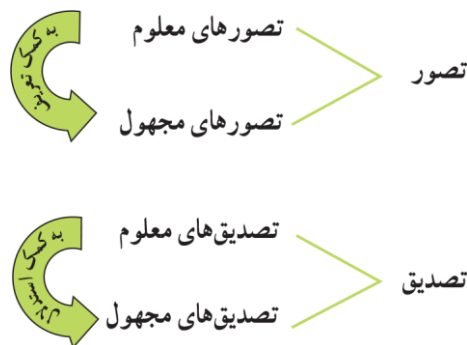
■ اگر کسی نداند که «بلیت‌های الکترونیکی در وقت و هزینه ما صرفه‌جویی می‌کنند»، چگونه می‌توانیم درستی این جمله را برای وی ثابت کنیم؟

برای این کار از تصدیق‌های معلوم وی استفاده می‌کنیم و از طریق «استدلال»، درستی تصدیق جدید را به او نشان



می‌دهیم؛ مثلاً می‌توانیم برای وی مزایای این نوع بلیت را نسبت به بلیت‌های کاغذی برشماریم. با این کار یک تصدیق مجهول را به کمک تصدیق‌های دیگر معلوم ساخته‌ایم.

بنابراین به کمک تعریف، از تصورهای معلوم به شناخت تصورهای مجهول و به کمک استدلال از تصدیق‌های معلوم به کشف تصدیق‌های مجهول دست می‌یابیم.



### تمرین



■ از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید:

سیمرغ	سیمرغ پرنده‌ای افسانه‌ای است.	دانا	توانا بود هر که دانا بود.
(.....)	(.....)	(.....)	(.....)

تمرین



- مشخص کنید که کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال هستند:
- چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی کند، غذا را با آن هم بزنی دستت نمی سوزد. (.....)
- منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می کند. (.....)
- معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه اش نیست. (.....)
- ترابری یعنی حمل و نقل کالا یا مسافر از جایی به جای دیگر. (.....)

فعالیت تکمیلی



۱- جملاتی که با «چیست» پایان می پذیرند و جملاتی که با «چرا» آغاز می شوند با کدام یک از دو مبحث اصلی منطق ارتباط دارند؟

۲- از میان موارد زیر تصویرها و تصدیقها را مشخص کنید:

منطق معیار تفکر است، منطق، تصدیق بخشی از علم است، کوه سه‌پند، ارتفاعات کوه سه‌پند، کوه سه‌پند مرتفع است.

۳- اگر ذهن انسان به طور طبیعی براساس قواعدی می اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم؟ چرا به صرف خواندن کتابهای منطق از خطای ذهن مصون نمی مانیم؟

«چند مرده حلاجی؟»

(داخل کشور ۹۸)

**تست ۱** کدام عبارت درباره نقش دانش منطق درست است؟

- ۱ چپستی ذهن را مورد بررسی قرار می دهد.
- ۲ ناچار است مواد خود را از سایر دانش ها بگیرد.
- ۳ قواعد آن به تدریج توسط منطق دانان طراحی شده است.
- ۴ چگونگی و ماهیت شناخت های انسان را توضیح می دهد.

(فارغ از کشور ۱۳۹۹)

**تست ۲** کدام عبارت درست است؟

- ۱ در تعریف، به کمک تصورات مجهول به تصورات معلوم دست می یابیم.
- ۲ استفاده از منطق، در همه علوم و فعالیت های ذهنی بشر گریزناپذیر است.
- ۳ برخی از دانش ها، مانند: ریاضیات ابزار منطق اند و به دقت ذهنی کمک می کنند.
- ۴ در تصور ما از یک درخت واقعی، یکی از ویژگی های مفهوم «وجود داشتن» است.

**تست ۳** در متن زیر چند تصدیق وجود دارد؟

«حکیمان، دیردیر خورند و عابدان، نیم سیر و زاهدان، سد رمق و جوانان، تا طبق برگیرند»

- ۱ یک      ۲ دو      ۳ سه      ۴ چهار

**تست ۴** کدام گزینه در مورد حیطة کاربرد منطق درست است؟

- ۱ استفاده از منطق در اصل برای ارزیابی اندیشه های فلسفی است.
- ۲ کاربرد منطق برای بررسی محتوای علوم مختلف مورد نیاز است.
- ۳ کاربرد منطق از سوی مخاطب، از انبوه اطلاعات غلط در رسانه ها می کاهد.
- ۴ استفاده از منطق به دلیل نیاز به تفکر و تصمیم گیری درست است.



**تست ۵** هنگامی که با واقعیت داشتن یا نداشتن یک مفهوم کاری نداریم و هنگامی که چیزی را به چیزی نسبت می دهیم به ترتیب، ..... و ..... رقم می خورد که دومی .....

- ۱ تصور - تصدیق - هر جمله بامعنایی می تواند باشد.
- ۲ تصدیق - تصور - وصفی را به چیزی نسبت می دهد یا از آن سلب می کند.
- ۳ تصور - تصدیق - دارای نوعی حکم و قضاوت است.
- ۴ تصدیق - تصور - با اصول و قواعد منطقی تعریف، قابل دست یابی خواهد بود.

**تست ۶** کدام گزینه با تعریف معلوم می شود؟

- ۱ هر آن کس که دندان دهد نان دهد.
- ۲ سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی.
- ۳ هر که بامش بیش برفش بیش تر.
- ۴ هر گل که در این مزرعه می روید باز.

**تست ۷** کدام تشبیه برای دانش منطق مناسب تر است؟

- ۱ مانند پلیس راهنمایی و رانندگی است که به رانندگان خطاکار هشدار می دهد و اگر رعایت نکنند آن ها را جریمه می کند.
- ۲ مانند خط کش، پرگار، گونیا و نقاله است که برای ترسیم دقیق تر خطها، زاویه ها و شکل های هندسی استفاده می شوند.
- ۳ مانند سیستم های هوشمند هواپیما است که در صورت ایجاد مشکلی برای خلبان، هدایت هواپیما را در دست می گیرد.
- ۴ مانند علم روان پزشکی است که انواع مغالطات ذهنی و روانی و روش های پیشگیری و درمان آن ها را بیان می کند.

**تست ۸** کدام گزینه درباره «تصور در منطق» درست است؟

- ۱ دقیق و مطابق قواعد طبیعی ذهن و به دور از مغالطه و سفسطه است.
- ۲ اگر مربوط به یک امر واقعی باشد، متضمن مفهوم «وجود داشتن» است.
- ۳ اگر مربوط به یک امر غیرواقعی باشد، نوعی خطای اندیشه محسوب می شود.
- ۴ فاقد هرگونه حکم و قضاوت یا نسبت و سلب صفت یا ارتباط با امور دیگر است.

**تست ۹** کدام گزینه درباره آگهی‌های تجاری لزوماً درست است؟

- ۱ همه آن‌ها نوعی استدلال محسوب می‌شوند.
- ۲ اغلب آن‌ها دارای مغالطه یا سفسطه هستند.
- ۳ هدف آن‌ها ترغیب مخاطب به خرید کالا یا خدمتی خاص است.
- ۴ علم منطق نمی‌تواند در جلوگیری از فریب خوردن از آن‌ها کمک کند.

(داخل کشور ۱۳۹۹)

**تست ۱۰** کدام عبارت درست است؟

- ۱ موضوع دانش منطق براساس انواع آگاهی‌های ذهن، به حیطه‌های مختلف تقسیم می‌شود.
- ۲ آموزش و ممارست در فن منطق، باعث پرورش قوه خلاقیت و توسعه دانش می‌شود.
- ۳ منطق مانند سیستم‌های کنترلی خودرو است که آسیب‌های موتور را نشان داده و باعث حرکت آن می‌شود.
- ۴ در تصویری مانند درخت که امری واقعی است، «وجود داشتن» یک ویژگی است که در ضمن تصور موجود است.

**تست ۱۱** وقتی با واقعیت مفهوم سروکار داریم، پای یک ..... به میان می‌آید که .....

(داخل کشور ۹۲)

- ۱ تصدیق - در آن نوعی قضاوت وجود دارد.
- ۲ جمله - از سه تصور تشکیل شده است.
- ۳ تصدیق - به معنای «جمله» در دستور زبان است.
- ۴ تصور - درباره هستی آن سؤال شده است.

(خارج کشور ۹۵)

**تست ۱۲** کدام عبارت درباره «تعریف» درست است؟

- ۱ شناسایی مفاهیم جدید به کمک آن صورت می‌گیرد، اما نقشی در گسترش دانش ندارد.
- ۲ در کاربرد آن لازم است به معلومات کسی که تعریف برای او انجام می‌شود، توجه شود.
- ۳ در منطق، بیش از سایر دانش‌ها و در دانش‌ها بیش از زندگی عادی استفاده می‌شود.
- ۴ هیچ‌یک از مفاهیم و تصورات، بدون استفاده از آن برای ذهن معلوم نمی‌شود.

## چستی فلسفه

### انواع سؤالات

۱ روزمره ← معمولاً به راحتی می توان به آن ها پاسخ داد.

۲ بنیادین = اساسی = فلسفی

♦ می توانند ساعات طولانی ما را به خود مشغول کنند.

♦ شامل مفاهیم عمیق زندگی می شوند.

♦ می تواند برای هر کسی ایجاد شود.

♦ لزوماً پاسخ مشخص ندارد.

♦ معمولاً سؤالات علوم، سؤال فلسفی نیستند.

### انسان و تفکر

یکی از ویژگی های انسان پرسشگری است. کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می کنند و کنجکاو خود را با گفتن کلمه «چرا» به پدر و مادر خود نشان می دهند. هر سؤالی که برای ما پیش می آید، گویای آن است که چیزی را نمی دانیم و به دنبال دانستن آن هستیم. همین که از خود می پرسیم «امروز به کجا باید بروم به کتابخانه یا به ورزشگاه و یا...؟» بدین معناست که هنوز نمی دانیم کدام را باید انتخاب کنیم و به دنبال دانستن آن هستیم.

تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش ها به پاسخ هاست. با قدرت تفکری که خداوند در وجود ما قرار داده، پاسخ سؤالات را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم. لذا می توان گفت که بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان به صورت زیر است:

رسیدن به پاسخ

تفکر در اندوخته ها

طرح سؤال

روبه روشن شدن با مسئله

## مراتب تفکر

تا زمانی که انسان با همان سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، در مرحلهٔ اول تفکر قرار دارد که می‌توان آن را «تفکر غیرفلسفی» نامید. اما اگر انسانی از این مرحلهٔ تفکر عبور کرد و با جدیت و پیوسته به سؤال‌های دستهٔ دوم پرداخت، وارد مرتبه دوم تفکر شده که می‌توان آن را «تفکر فلسفی» نامید؛ این انسان، ممکن است یک کارگر یا فیزیک‌دان یا پزشک یا دانشجو و دانش‌آموز باشد، اما همین که وارد این وادی شد و چنین پرسش‌هایی را جدی گرفت و به دنبال یافتن پاسخ برآمد، در حال تمرین «تفکر فلسفی» است. مراحل تفکر فلسفی نیز به صورت زیر است:



ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن‌ها را «فطرت اول» و ورود آن پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها را «فطرت ثانی»، یعنی فطرت دوم می‌نامد. وی ماندن در فطرت اول را شایستهٔ انسان نمی‌داند و از انسان‌ها می‌خواهد بکوشند از فطرت اول عبور کنند و به فطرت ثانی که مرحله‌ای برتر و عالی‌تر است، برسند.

## نظر ملاصدرا دربارهٔ انسان‌ها

### واقف

- ← در فطرت اول متوقف شده است.
- ← به دانش ظاهری دل خوش کرده است.
- ← تقلید می‌کند.
- ← اقبال لاهوری می‌گوید ← ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم  
هیچ نه معلوم شد، آه که من کیستم

## نظر ملاصدرا دربارهٔ انسان‌ها

سائر

- ← از فطرت اول به فطرت دوم رفته است.
- ← به شنیده‌ها بسنده نمی‌کند.
- ← به جهان وسیع معقولات راه می‌یابد.
- ← همواره در حرکت و تکاپو است.
- ← اقبال لاهوری می‌گوید ← موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت  
هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم

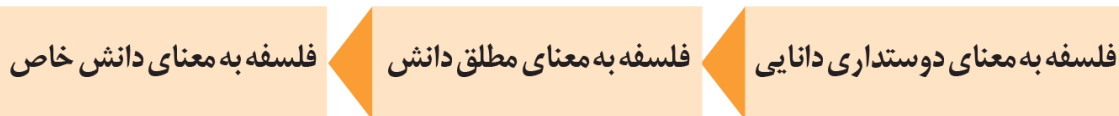
## دانش فلسفه

با دقت در سؤال‌های دسته دوم درمی‌یابیم که این قبیل سؤال‌ها مربوط به موضوعات اساسی و بنیادی است که بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع‌کننده برای آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های انسان به نتیجه و سرانجام روشنی نخواهد انجامید. تلاش‌های بشر برای پاسخ قانونمند موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است. به عبارت دیگر: دانش فلسفه عهده‌دار بررسی قانونمند این قبیل سؤال‌هاست. از همان آغازین روزهای حیات فکری انسان، افرادی اهمیت این قبیل پرسش‌ها را دریافته و با دقت و تأمل فراوان، برای دستیابی به پاسخ صحیح تلاش کردند.

## واژه فلسفه

لفظ فلسفه ریشهٔ یونانی دارد. این لفظ عربی شده کلمهٔ «فیلسوفیا» است. فیلسوفیا مرکب از دو کلمهٔ «فیلو» به معنی دوستداری و «سوفیا» به معنی دانایی است. پس کلمهٔ فیلسوفیا به معنی «دوستداری دانایی» است. بنابراین، واژه فلسفه در آن زمان‌ها اختصاص به این دانش خاص نداشت و همهٔ دانش‌ها را شامل می‌شد. کسی که این واژه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان، «سقراط» بود. این درحالی است که دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را «سوفیست» یعنی دانشمند می‌خواندند. ممکن است پرسید چرا سقراط نیز خود را «سوفیست» نخواند و از لفظ فیلسوف که به معنی دوستدار دانش است استفاده کرد؟

در توضیح علت این نام‌گذاری می‌گوییم: دغدغه برخی از سوفیست‌ها، که بیش‌تر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند، بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود؛ این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند و از این‌رو در استدلال‌های خود بیش‌تر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست به نظر می‌رسید، اما در واقع غلط بود. این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند هرکس هرچه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است. بعدها کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت و کلمه «سفسطه» هم که در زبان عربی از لفظ «سوفیست» گرفته شد، معنای مغالطه‌کاری پیدا کرد. سقراط به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم و شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها، مایل نبود او را «سوفیست» یا دانشمند بخوانند و از این‌رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف)، یعنی دوستدار دانش نامید. رفته‌رفته کلمه فیلسوف به مفهوم دانشمند ارتقا پیدا کرد و کلمه فلسفه نیز مترادف با دانش شد. با گذشت زمان و پیشرفت دانش‌های مختلف، بر هریک از شاخه‌های دانش نام ویژه‌ای گذاشته شد و به تدریج کلمه فلسفه فقط برای همین دانش خاص به کار رفت.



### جدول معنا به ترتیب تاریخ

کلمه	معنای اول	معنای دوم	معنای سوم
فلسفه	دوستداری دانایی	دانش	دانش خاص (وجودشناسی)
فیلسوف	دوستدار دانایی	دانشمند	دانشمند دانش خاص
سوفیست	دانشمند	مغالطه‌کار	—
سفسطه	دانش	مغالطه‌کاری	—

♦ معنای اولیه سوفیست با معنای ثانویه فیلسوف یکسان است.

♦ معنای اولیه سفسطه با معنای ثانویه فلسفه یکسان است.

۱. موضوع فلسفه، بنیادی ترین موضوعات

تفکیک

قبل از پرداختن به موضوع فلسفه، سؤال‌های زیر را به دقت مطالعه کنید و ببینید آیا می‌توان گفت برخی از آن‌ها تفاوت خاصی با دیگر سؤال‌ها دارند؟ آن‌ها را در دسته «الف» و بقیه را در دسته «ب» قرار دهید.

ردیف	سؤال‌ها	الف	ب
۱	دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟		
۲	آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟		
۳	خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟		
۴	دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟		
۵	آیا هر چیز دارای علت است؟		
۶	آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ماست؟		
۷	پیر شدن سلول‌ها اثر کدام عامل شیمیایی است؟		
۸	آیا پدیده‌ها می‌توانند به اختیار خود موجود شوند؟		

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. دانش ریاضیات درباره مقدار و کمیت است. شیمی درباره ساختمان مواد و ترکیب میان آن‌هاست. اخلاق درباره چگونگی کسب فضیلت‌ها و دوری از بدی‌هاست. سایر علوم نیز هر کدام به موضوع خاص از میان موضوعات جهان و زندگی انسان می‌پردازند و بحث می‌کنند. اما فلسفه این‌گونه نیست. فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی‌کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد. فیلسوف درباره آن دسته از ویژگی‌های موجودات صحبت می‌کند که مربوط به هستی و موجودیت آن‌هاست. به همین خاطر، مباحث فلسفی پایه و اساس مباحث سایر علوم به‌شمار می‌آیند.

## ۲. استفاده از روش عقلی و قیاسی

### تفکر

به این مسئله‌ها توجه کنید:

۱ مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟

۲ چرا هوا معمولاً در زمستان سرد می‌شود؟

۳ چرا در اکثر کشورها طلاق افزایش یافته است؟

۴ آیا هر حیاتی پایانی دارد؟

۵ آیا جهان ابتدا و انتها دارد؟

همان‌طور که در کتاب منطق آموخته‌اید، برای رسیدن به علم معمولاً از روش‌هایی چون تجربه و استقرا و نیز قیاس استفاده می‌شود.

توضیح دهید که درباره هر کدام از این مسئله‌ها با کدام روش می‌توان تحقیق کرد و به نتیجه رسید.

برای کسب دانش در علوم مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم. اما در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی‌توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزاری مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت. در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسئله و کشف مجهول نزدیک شد. مسائل فلسفی، از جهت روش، مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آن‌ها کمک نمی‌کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله‌ها دست یافت.



یک نکته ناب

آن چه که منحصر به فرد و خاص فلسفه است موضوع آن است نه روش آن. چرا که روش فلسفه با ریاضیات مشترک است.

به کار ببندیم

۱ کدام یک از افراد زیر بیش تر اهل تفکر فلسفی است؟

الف) کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب) کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظر خودش محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

۲ برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام‌هایی است. این

گام‌ها به صورت نامرتب قرار گرفته‌اند؛ با توجه به نظر خود، آن‌ها را به ترتیب بازنویسی کنید.

■ ارائه استدلال صحیح ■ جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات

■ داشتن معیار برای پذیرش پاسخ ■ آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود.

۳ نکات اساسی مربوط به هریک از عناوین درس

را استخراج و در جدول روبه‌رو یادداشت کنید.

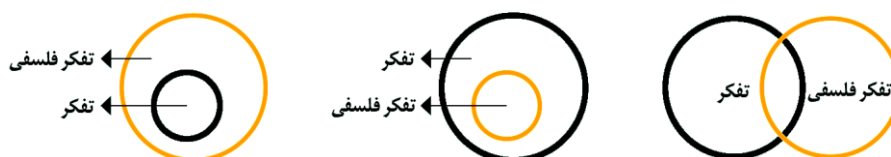
سپس یادداشت‌های خود را با دیگران مقایسه

نمایید.

عنوان	نکات اساسی
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....

۴ اگر بخواهیم رابطه «تفکر» با «تفکر فلسفی» را به صورت دو دایره ترسیم کنیم، این دو دایره به شکل

کدام یک از صورت‌های زیر خواهد بود، چرا؟



**به کار ببندیم**

۵ در میان عبارتهای زیر، عبارتهای صحیح را انتخاب کنید.

الف) تفکر فلسفی، تفکر در حوزه فطرت اول و فلسفه تفکر در حوزه فطرت ثانی است، .....

.....

ب) تفکر دو قلمرو دارد؛ تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی، .....

.....

ج) تفکر فلسفی و فلسفه، هر دو در حوزه فطرت ثانی قرار می گیرند، .....

.....

د) در فلسفه هم تفکر فلسفی صورت می گیرد، اما به شکل نظام مند و تخصصی، .....

.....

ه) کسی که به تفکر فلسفی رسید، دیگر نیازی به تفکر در حوزه فطری اول ندارد، .....

.....

۶ فلسفه، از چه جهت با ریاضیات اختلاف دارد و از چه جهت مشترک است؟ .....

.....

«چند مرده حلاجی؟»

(قلم‌پی)

تست ۱ کدام عبارت، درباره فیلسوفان و تفکر فلسفی درست است؟

- ۱ رسیدن به شناخت درستی از واقعیت، مستلزم پرهیز از مغالطه است؛ از این‌رو، فیلسوفان با مغالطه‌ها سروکار دارند.
- ۲ فیلسوف می‌خواهد خود را از بند عادات نابخردانه، پیش‌داوری و تعصب برهاند و هدف او از کشف حقیقت، همین است.
- ۳ انسان موجودی کنجکاو و متفکر است؛ کسانی که سؤالات و کنجکاوی‌های خود را به نحو جدی پیگیری می‌کنند، اهل تفکر فلسفی‌اند.
- ۴ فیلسوف کسی است که در موقعیت‌های گوناگون زندگی می‌اندیشد و باورهای منظم و پیوسته دارد، هرچند استدلال نداشته باشد.

(قلم‌پی)

تست ۲ کدام عبارت درباره واژه فلسفه نادرست است؟

- ۱ فیلسوفیا واژه‌ای یونانی به معنای دوستدار دانایی است.
- ۲ لفظ سوفیست به علت استفاده آنان از مغالطات تنزل معنایی یافت.
- ۳ رفته‌رفته فلسفه مرادف با دانش و فیلسوف مرادف با دانشمند شد.
- ۴ سقراط نخستین کسی نبود که خود را فیلسوف نامید.

(گزینه دو)

تست ۳ کدام گزینه درباره ریشه ابتدایی کلمه «فلسفه» درست است؟

- ۱ مربوط به همه دانش‌ها بوده است.
- ۲ مرکب از دو واژه «دوستداری» و «دانایی» بوده است.
- ۳ اولین بار از سوی سقراط به کار گرفته شد.
- ۴ سقراط به دلیل تواضع خود را بدان می‌نامید.

(گزینه دو)

تست ۴ همه گزینه‌ها بیانگر دیدگاه سوفیست‌ها است، به جز .....

- ۱ حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری ندارد.
- ۲ درباره واقعیت‌های موجود نمی‌توان حکم قطعی داد.
- ۳ ملاک همگانی برای تشخیص حقیقت وجود ندارد.
- ۴ پیروزی بر رقیب مهم‌ترین هدف استدلال‌آوری است.

(قلم‌چی)

**تست ۵** کدام گزینه ویژگی یک فیلسوف نیست؟

- ۱ باورهایی منظم و پیوسته دارد و می‌تواند برای آن‌ها استدلال ارائه کند.
- ۲ عقیده‌اش را بر پایه توهم، تخیل، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.
- ۳ عقیده‌اش را بر پایه نظرات فیلسوفان قبلی بنا می‌کند و در برابر آنان متواضع است.
- ۴ درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آن‌ها را می‌پذیرد.

(گزینه دو)

**تست ۶** کدام گزینه درباره دانش فلسفه درست است؟

- ۱ روش دانش فلسفه اختصاص به همین علم دارد.
- ۲ روش تجربی برای حل برخی از مسائل فلسفی ضروری است.
- ۳ چون فلسفه اساس سایر علوم است، درباره تمام مسائل جهان بحث می‌کند.
- ۴ فلسفه عهده‌دار پاسخ‌گویی به مسائل بنیادینی است که در سایر علوم ظاهر می‌شوند.

(داخل کشور ۱۳۹۹)

**تست ۷** کدام مورد، تفاوت اصلی فلسفه با سایر علوم را نشان می‌دهد؟

- ۱ ارائه دیدگاه‌های کلی
- ۲ موضوع و مسائل آن
- ۳ حیرت در برابر هستی
- ۴ استفاده از روش عقلی

(فارج کشور ۹۹)

**تست ۸** کدام عبارت درست است؟

- ۱ برخی از مسائل فلسفی با روش تجربی قابل بررسی است، اما روش کلی فلسفه روش عقلی است.
- ۲ فلسفه مانند همه دانش‌های دیگر قانونمند است و با استفاده از روش خاص، مسائل خود را بررسی می‌کند.
- ۳ تفکر فلسفی، خاص فیلسوفان نیست، بلکه از همان آغازین روزهای حیات انسان خود را نشان می‌دهد.
- ۴ همه انسان‌ها به شرط دقت در افکار، تصمیمات و اعمال روزمره خود، دچار حیرت فلسفی می‌شوند.

(داخل کشور ۱۴۰۱)

تست ۹ کدام عبارت درست است؟

- ۱ شخصی که بتواند نظرات خود را مستدل کند، فیلسوف است.
- ۲ برای تفکر یا فهم فلسفی، ضرورتی ندارد دانش فلسفه آموخته باشیم.
- ۳ فیلسوف حقیقی، همواره می‌کوشد تا واقعیت‌ها را با باورهای خود هماهنگ کند.
- ۴ هرگاه تعجب انسان در اثر یک عامل برانگیخته شود، با یک سؤال فلسفی مواجه می‌شود.

تست ۱۰ کدام مورد درباره‌ی واژه «فلسفه» درست است؟

- ۱ سقراط این واژه را ابداع کرد و بر سر زبان‌ها انداخت.
- ۲ واژه فلسفه در کاربرد اولیه به معنای دانش هستی‌شناسی بود.
- ۳ این واژه، عربی‌شده فیلسوفوس به معنای دوستداری دانایی است.
- ۴ سقراط احتمالاً به جهت فاصله‌گیری از سوفیست‌ها مشتقات آن را به کار برد.